

آنگاه عیسی از جلیل به رود اردن آمد تا از یحیی تعمید گیرد 14. ولی یحیی کوشید او را بازدارد و به او گفت: «مَنْم که باید از تو تعمید بگیرم، و حال تو نزد من می‌آیی؟» 15 عیسی در پاسخ گفت: «بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم.» پس یحیی رضایت داد 16. چون عیسی تعمید گرفت، بی‌درنگ از آب برآمد. همان دم آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر وی قرار گرفت 17. سپس ندایی از آسمان در رسید که «این است پسر محبوبم که از او خوشنودم.»



مردی که لباسی از موی شتر پوشیده بود و نام او یحیی بود، مدتی را در کنار رود اردن گذراند. به همین دلیل بود که افراد بیشتری به او مراجعه می‌کردند. یحیی درک عمیقی از عدالت خدا داشت و می‌دانست که به دلیل بی‌عدالتی گسترده، باید داوری الهی در آینده وجود داشته باشد. در غیر این صورت، هرگز نمی‌توان بین حق و باطل تمایز قائل شد. اما چنین داوری نمی‌تواند بدون آسیب باشد. به این دلیل است که مردم یا در طرف حق یا در طرف باطل هستند. و اگر در طرف باطل بایستند، تمام بار بی‌عدالتی بر دوش آنها قرار خواهد گرفت. به همین دلیل یحیی چنین واعظ چالش‌برانگیزی بود. او گناه و بی‌عدالتی مردم را محکوم و افشا می‌کرد. او می‌خواست که آنها طرف خود را تغییر دهند - از طرف بی‌عدالتی به طرف عدالت، حتی اگر ناراحت‌کننده باشد. و او به ویژه کسانی را که خود را بدون گناه می‌دیدند محکوم می‌کرد. یحیی مطمئناً از قلب گناهکار خود آگاه بود و می‌دانست که خودش نیز از این قاعده مستثنی نیست. این قطعاً دلیل واکنش اولیه او بود وقتی عیسی می‌خواست توسط او غسل تعمید بگیرد. یحیی از قبل می‌دانست عیسی کیست. او مطمئناً می‌دانست که همه چیز در عیسی متفاوت است. در او، هیچ چیزی را برای محکوم کردن از بابت گناه و بی‌عدالتی پیدا نکرد. و به همین دلیل است که به سادگی در درک او نمی‌گنجید که عیسی باید توسط او تعمید بگیرد. از نظر او این واژگونی کامل عدالت خدا بود. فرد صالح به ناصالح و ناصالح به صالح تبدیل می‌شد. یحیی فریاد زد: «نه!»

و عیسی با این جمله عجیب به او پاسخ داد: «این باید اتفاق بیفتد تا تمام عدالت به کمال برسد.» یحیی آشفته شده بود. با این حال، او یک چیز را کاملاً درک می‌کرد: در اینجا، فرد صالح خود را به جای گناهکاران قرار داده است. در اینجا، فردی که به تنهایی صالح است، نیروی کامل داوری خدا را حمل می‌کند. یحیی حس می‌کرد که این چه معنایی می‌تواند داشته باشد. زیرا خود او این کلمات را اعلام کرد: «این است بره‌ی خدا که گناه جهان را برمی‌دارد!» آیا این وحی عدالت جدید خدا است؟ یحیی چیزهای زیادی درباره گناه می‌دانست. وظیفه اصلی او شنیدن اعترافات بسیاری از گناهکاران بود. بنابراین او دقیقاً از وضعیت قلب انسان آگاه بود. و در آن لحظه، او با نگرانی به زندگی افرادی که از آب بیرون می‌آمدند فکر می‌کرد. یحیی می‌دانست که حتی بهترین موعظه‌های دنیا هم کمکی نخواهد کرد. مردم از غسل تعمید بیرون می‌آمدند و تمام گناهان خود را دقیقاً مانند قبل ادامه می‌دادند. به همین دلیل بود که او یک بار موعظه وحشتناکی کرد. اما آیا چیزی تغییر کرد؟ نه! یحیی مجبور بود اعتراف کند که مردم، و خود او، از عدالت خدا بسیار دور هستند. و سپس عیسی آمد و خود را تحت تعمید گناه قرار داد، که توسط یک گناهکار انجام می‌شد. چه مبادله‌ای!

و همانطور که او در مقابل این معجزه ایستاده بود، مکاشفه‌ای شگفت‌انگیز پدیدار شد. خدا از آسمان سخن گفت و روح‌القدس به شکل کبوتری ظاهر شد و خدا فرمود: «این پسر محبوب من است که از او خوشنودم.» از همین لحظه ما کلمه دیگری از یحیی نمی‌شنویم. صحنه‌ای که خدای پدر، پسر و روح‌القدس در هماهنگی و عشق کامل با هم ظاهر می‌شوند، باید او را کاملاً

شگفت زده کرده باشد. و اکنون به نظر می‌رسد که تمام بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌های وحشتناکی که او در جهان دیده بود، با این کلمات از بین رفته باشد. «این پسر محبوب من است که از او بسیار خشنودم.» بله، اینگونه باید باشد! اینگونه عدالت خدا محقق می‌شود. اینگونه است که خدا باید در واقع درباره هر یک از ما صحبت کند: «فرزندم، تو مرا بسیار خشنود می‌کنی!»

حالا بیایید تمرکز خود را تغییر دهیم. از دره اردن به لایپزیگ. تغییر تمرکز از قلب یحیی به قلب‌های خودمان. مطمئناً ما چنین تصور دقیقی از عدالت خدا مانند یحیی نداریم. و با این حال، همه ما می‌دانیم که چه زمانی چیزی اشتباه است: وقتی چیزی در قلب خودمان هم اشتباه است. مطمئناً جاهای تاریک زیادی در قلب ما نیز وجود دارد که آنها را با ده قفل بسته‌ایم تا هیچ‌کس هرگز از آنها باخبر نشود. یا شاید به سادگی احساس خستگی مُفرط می‌کنیم زیرا در مواجهه با اتفاقات وحشتناکی که در دنیای ما رخ می‌دهد، بسیار ناتوان هستیم. همه این افکار بدون آسیب نیستند. گناه و بی‌عدالتی مانند سمی است که همه چیز را نابود می‌کند. این شرایط ما را خسته و فرسوده و حتی افسرده می‌کند. مانند یحیی در دره اردن، ما نیز می‌توانیم این نگاه را دنبال کنیم - به دور از سرگردانی خود، به سمت عیسی. مانند یحیی، باید به خودمان اجازه دهیم که توسط عیسی متقاعد شویم که راهش درست است، حتی اگر درک همه اینها برای ما دشوار باشد. عیسی به یحیی گفت: «این غسل باید اتفاق بیفتد تا همه عدالت محقق شود.» امروز او به ما می‌گوید: «ای انسان، من آرزوها و رویاهای تو را می‌دانم. آرزوی تو این است که اوضاع برای خودت بهتر شود. و دقیقاً به همین دلیل است که من آمده‌ام تا اوضاع تو خوب شود. من آمده‌ام تا همه ی عدالت را محقق کنم. این به معنای چیزی شبیه به این است: «همه چیز باید درست شود.» این مسیر دشواری است که شما انسان‌ها نمی‌توانید در آن قدم بگذارید. و به همین دلیل است که شما انسان‌ها، در حالی که آرزوی خوبی دارید، مدت‌هاست که معنای آن را فراموش کرده‌اید. به همین دلیل است که شما با شدت زیاد به دنبال چیزها و افرادی می‌گردید که بتوانند شما را آرام کنند، اما هیچ آرامشی پیدا نمی‌کنید. قصد من این نیست که تمام تلاش‌های ناامیدانه شما را برای خشنود کردن خدا نادیده بگیرم. و همچنین قصد من این نیست که با پارسایی خود تلاش شما را پامال کنم یا به شما آسیب برسانم. قصد من این است که تحت هر شرایطی و همیشه با شما باشم. به همین دلیل است که از پارسایی خود دست می‌کشم. من به سادگی آن را می‌دهم و در کنار شما می‌ایستم. این را نمی‌گویم زیرا پارسایی خود را کالایی ارزان می‌دانم که می‌توانم به سادگی آن را از خود دور کنم. نه، پارسایی من گرانبها و ارزشمند است و برای من درد جسم و روح به ارمغان آورده است! و به همین دلیل است که می‌خواهم دقیقاً به جایی برسم که می‌خواهم: به شما!»

برای ما، جشن تجلی الهی همچنین به معنای شگفت‌زده شدن از عیسی است که بسیار به ما نزدیک می‌شود. عیسی فقط نزدیک نمی‌شود؛ او مستقیماً به جایی می‌رود که افکار ما عمیق‌ترین هستند و از آن دوری نمی‌کند. او همچنین به جایی می‌رود که زخم‌های شخصی ما وجود دارد و خود را زیر بار بی‌عدالتی ما قرار می‌دهد. همه اینها زمانی به اوج خود می‌رسد که عیسی برای گناهان ما بر روی صلیب می‌میرد. غسل تعمید او در دره اردن تنها مقدمه‌ای برای این کار بسیار بزرگتر در تپه جلعتا بود. و درست در جایی که عیسی، به عنوان صالح، گناهان ما را بر خود می‌گیرد، صدای خدا از آسمان طنین‌انداز می‌شود: «این است پسر محبوب من، که از او بسیار خشنودم.» وقتی آسمان در غسل تعمید خداوند ما عیسی باز می‌شود و به یحیی اجازه داده می‌شود صدای خدا را با گوش‌های خود تجربه کند، به این معنی است که خدا خواسته است که او این کلمات را بشنود. خدا می‌خواهد ما بدانیم که در عیسی تمام عدالت محقق می‌شود. عمیق‌ترین افکار من نیز باید در اینجا در عیسی پناه بگیرند. و در نهایت، خدا می‌خواهد این کلمات - «تو فرزند محبوب من هستی» - را درباره ما نیز بگوید. خدا می‌خواهد به ما نیز بگوید: «تو فرزند من هستی! من تو را دوست دارم!» وقتی عیسی توسط یحیی تعمید گرفت، وارد همان آبی شد که ما در آن هستیم. این آب، آب گناه است. جایی است که گناه به حساب می‌آید. و اکنون ما در اینجا با عیسی در تعمید هستیم. ما در آب گناه با او مشترک هستیم. اما از آنجا که او عادل و بی‌گناه است، تعمید ما دیگر یک حسابرسی نیست، بلکه یک نسبت

دادن و یک هدیه از طرف او است. عدل، گناه می‌شود و گناه، عدل می‌شود. و دقیقاً به همین دلیل است که، کمی قبل از صعود به آسمان، عیسی به شاگردانش دستور داد که به تمام جهان بروند و به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهند. وقتی ما تعمید می‌گیریم، دروازه های بهشت دوباره باز می‌شوند. و این بار، خدا کلماتی را که زمانی در تعمید عیسی اعلام کرده بود، با ما می‌گوید. لطف خدا اکنون بر ما قرار دارد. و ما می‌توانیم این لطف خدا را نه فقط یک بار در تعمید، بلکه بارها و بارها تجربه کنیم. هر روز، وقتی صلیب عیسی را بر پیشانی و سینه خود می‌کشیم و دعای پروردگار را می‌خوانیم یا به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، به جایی بازمی‌گردیم که خداوند نیز لطف خود را بر زندگی شخصی ما اعلام کرده است. اما نه تنها این، بلکه به صلیب عیسی نیز می‌رویم. بر روی صلیب، ما با عیسی می‌میریم، اما در عین حال، با او برمی‌خیزیم و زندگی جدیدی دریافت می‌کنیم. آمین